



# آمریکا می خواهد جهان را به سلطه بکشد

گفت و گو با نوآم چامسکی  
مترجم: پریسا رضایی

او در دفتر کارش نه کارت ویزیت و نه حتی سربرگی با نام خودش دارد. در عین حال، نوآم چامسکی، استاد زبان‌شناسی، مرد محبوبی است. گروهی تلویزیونی از کره جنوبی در حضور دی‌ولت در مؤسسه او تحت عنوان مؤسسه فن آوری ماساچوست، واقع در کمبریج بوستن، با این فرد دیدن کرد. پس از این گروه، نوبت به هیئت ایرانی رسید. این مرد ۷۳ ساله به نمادی برای منتقدان جهانی شدن بدل شده است. جدیدترین کتاب او تحت عنوان «۹/۱۱» در ایالات متحده آمریکا اثری منحصر به فرد است: در این کتاب، سهمی از مسئولیت‌های حوادث ۱۱ سپتامبر به عهده آمریکا نیز نهاده شده است. این کتاب با فروش حدود ۲۰۰ هزار نسخه به نحو باورنکردنی محبوبیت یافته است.

در آمریکا تلاش بر این بوده است که افراد به اطاعت واداشته شوند و اقداماتی صورت گیرد که دولت می‌داند مردم در واقع با آنها مخالفت دارند. یکی از نخستین موارد این بود که آنان از کنگره خواستار جلب اختیار تام برای عقد قراردادهای تجاری به شیوه کرملین، عدم نظارت کنگره در جنگ علیه تروریسم و کاستن از میزان مالیات بر سود سرمایه، شدند. اما خطری واقعی آمریکا را تهدید نمی‌کند، اینطور نیست؟

این خطر بسیار جدی هم هست. در حقیقت، من پیش از ۱۱ سپتامبر نیز در این مورد نوشته بودم. می‌دانید که چقدر زحمت به کار می‌رود تا در نیویورک بمبی اتمی آتش شود؟ این کار را شاید حتی شما هم بتوانید بکنید. می‌توان قطعات را از مرزهای کانادا وارد این کشور کرد. هر کس که حداقلی از معلومات فنی داشته باشد، قادر به این کار خواهد بود.

**آیا انتظار دارید که حملات دیگری هم صورت گیرد؟**

اگر حملات دیگری رخ دهد، غافلگیر نخواهم شد. اما اگر کسی به راستی علاقه داشته باشد که این احتمال را کاهش دهد، دقیقاً همان کاری را می‌کند که روشنفکران را به چشم می‌اندازد یعنی ذهنش را متوجه انگیزه‌ها می‌کند. اما به محض اینکه حرفی به میان می‌آید، روشنفکران چپ میانه رو دچار جنون می‌شوند و می‌گویند که افراد ترور را ساده می‌گیرند. افراد، ترور را ساده نمی‌گیرند؛ اما اگر انسان عاقل باشد، به دنبال انگیزه‌ها و عوامل می‌گردد.

**آیا شما بازتاب وجود بن‌لادن در جهان عرب را هدف قرار می‌دهید؟**

القاعده سازمانی به نسبت شفاف است. هدف آن بیرون راندن کافران از کشورهای مسلمان و به اجرا گذاشتن شکلی سرسختانه از اسلام متعصبانه است. آنها در قضیه افغانستان، تا زمانی که روس‌ها در افغانستان بودند، در روسیه دست به حملات تروریستی می‌زدند. هنگامی که روس‌ها از افغانستان خارج شدند، آنها به حملات پایان دادند، نه به این دلیل که از روس‌ها خوششان می‌آید. آنها از روس‌ها متنفرند و میان روس‌ها و آمریکایی‌ها فرقی قائل نمی‌شوند. درباره ایالات متحده آمریکا باید گفت که هنگامی که آمریکا از دید آنها شروع به تصرف عربستان سعودی کرد، آنها علیه آمریکا به پا خاستند.

**پس، خروج از عربستان سعودی واکنشی عاقلانه نسبت به ۱۱ سپتامبر بود؟**

من نمی‌گویم ما باید دستورات بن‌لادن را اجرا کنیم. آنها

کتاب کم حجم شما «۹/۱۱» در واقع اصلاً کتاب محسوب نمی‌شود و اگر راستش را بخواهیم بگوییم، باید بگوییم از مصاحبه‌هایی به نسبت نامنظم با روزنامه‌های اروپایی تشکیل شده که برخی حتی فقط از طریق پست الکترونیکی صورت گرفته است. بی‌شک، شما خودتان هم این کتاب را اثر بزرگی به شمار نمی‌آورید. اما به رغم آن، این کتاب از موفقیت چشمگیری بهره‌مند شده است. شما این موضوع را چگونه توضیح می‌دهید؟

آنچه در اینجا، در آمریکا، از سوی رسانه‌ها به مردم عرضه می‌شود و آنچه علاقه مردم را تشکیل می‌دهد، بسیار با هم متفاوت است. موفقیت کتاب را باید به این تفاوت بارز میان عموم و قشر برگزیده درباره مضامین گوناگون نسبت داد. زیرا این مردم که همان اکثریت جمعیت را تشکیل می‌دهند، آگاه و خواهان دانستن آن چیزی هستند که مستقیماً به دست آنها نمی‌رسد.

**آیا در آمریکا فقدان یک درگیری و مشغولیت جدی با ۱۱ سپتامبر حس می‌شود؟**

روشنفکران هنوز هم تابع دستگاه قدرت هستند. این مشابه همان چیزی است که طی جنگ جهانی اول در آلمان یا انگلستان وجود داشت، هنگامی که روشنفکران بلافاصله از خود حس میهن پرستی نشان دادند. این واکنش عادی روشنفکران است، اما لزوماً برداشت ملت نیست.

ایالات متحده آمریکا جامعه‌ای درون‌گراست. مردم چز زیادی درباره سایر کشورهای جهان نمی‌دانند و چندان هم علاقه‌ای به دانستن آن ندارند. ۱۱ سپتامبر عمده بسیاری را به اندیشه واداشته است و ناگهان عده بسیاری اعتقاد یافته‌اند که ما باید توجه خود را به سایر بخش‌های جهان معطوف داریم و نیز به سمت نقشی که خود ایفا می‌کنیم و اینکه چگونه چنین چیزی تحقق می‌یابد.

تقریباً هر روز در ایالات متحده آمریکا نسبت به حملات جدید هشدار داده می‌شود. البته، اتفاق اندکی رخ می‌دهد و منتقدان نیز معتقدند که دولت بوش از هراس مردم استفاده می‌کند تا دستورالعمل‌های خود را به زور پیش برد. کاملاً روشن است که تقریباً هر دولتی در جهان می‌کوشد از ۱۱ سپتامبر به عنوان فرصتی استفاده کند تا دست به بازدارنده‌ترین اقداماتی بزند که می‌تواند با آنها از خطرها جان سالم به در برد. بر این اساس، روسیه خشونت‌های خوفناک خود در چین را تشدید کرده است، با این فرض که ایالات متحده آمریکا از آن حمایت کند.

فقط

کافی است  
نگاهی به افراد  
پیرامون  
بوش ببیند  
آنها به آنچه  
می‌گویند  
اعتقاد دارند  
آنها معتقدند که  
قدرت آن را دارند  
که جهان را به زور  
تحت کنترل خود  
در آورند  
اگر این  
به مذاق تو  
خوش نمی‌آید  
دچار دردسر  
خواهی شد



پرسیده اند که بن لادن چه می خواهد؛ اما پرسشی که بوش مطرح کرده، این است که چرا شما از ما متفرید، در حالی که ما اساساً انسان های خوبی هستیم. انسان در مقام روشنفکر، پاسخی برای این پرسش دارد. آنها از ما به این دلیل متفرند که ویژگی های موروثی نامطلوبی دارند یا در قرون وسطی مانده و خود را با جهان مدرن تطبیق نداده اند یا از آزادی و بزرگ منشی ما منزجرند. «ما طبیعی بلند داریم و آنها از ما متفرند. آه، حالا فهمیدم.» این پاسخی عمومی به این قضیه است.

اگر بخواهیم اوضاع را درست درک کنیم، کل این چرندیات را باید به دور افکنیم. طرحی مطالعاتی درباره «مسلمانان متحول»، شامل بانکداران، تحصیلکردگان و مدیران وجود دارد. این عده از بن لادن متفرند و از او هراس نیز دارند، اما در عین حال او را وجدان اسلام توصیف می کنند. آنان می گویند که دلایل قابل قبولی برای طرفداری از بن لادن وجود دارد؛ ایالات متحده آمریکا از رژیم هایی حمایت می کند که فاسد و خشن هستند و دموکراسی و پیشرفت را رد می کنند.

### حق انتخاب دیگر در مقایسه با عملیات مبارزه با ترور چیست؟

عملیات مبارزه با ترور می تواند آرمانی بزرگ باشد و من هم کاملاً طرفدار آن هستم. به این ترتیب، نخستین کاری که افراد باید علناً بدان بپردازند، دست کشیدن از مشارکت در ترور است. این، ساده ترین راه برای کاهش ترور به شمار می رود. اگر آمریکا، بریتانیای کبیر، آلمان و سایرین از مشارکت در ترور دست می کشیدند، گام بزرگی برداشته می شد.

کشورهایی را در نظر بگیریم که من به تازگی در آنها حضور داشته ام، یعنی ترکیه و کلمبیا؛ در ترکیه، تقریباً یک چهارم مردم که کردها باشند در دهلیری خوفناک زندگی می کنند و از خشونت آمیزترین فشارها در عذاب اند. ارسال کننده اصلی اسلحه برای اعمال این فشار در درجه اول آمریکا و در درجه دوم آلمان بوده است. این یعنی مشارکت در ترور که همیشه هم رخ می دهد. کلمبیا را در نظر بگیریم. سابق بر این، ترکیه اولین واردکننده کالاهای نظامی بود، حالا کلمبیا چنین است. چرا؟ در ترکیه ترور پیروز شده است، در کلمبیا ترور پیروز نشده و به همین دلیل این کشور در صدر فهرست قرار دارد. در این کشور، همه چیز از آمریکا وارد می شود و جامه فریب دهنده مواد مخدر را به تن می کند. نخستین گام در کاهش ترور این است که شخص خود در ترور شرکت نجوید. این به خودی خود بخشی بزرگ از مبارزه با ترور را تشکیل می دهد. این کار به القاعده و دیگر تروریست ها خاتمه نمی دهد. در این حال است که باید به دنبال انگیزه های ترور گشت.

چرا دولت آمریکا این چنین با مشارکت در عملیات حفظ صلح مخالفت می کند؟ در افغانستان، آمریکا این عملیات را به دیگران واگذار کرد و حالا هم در فعالیت هایش در بالکان تردید ایجاد می کند.

آنها خواهان نیروهای حافظ صلح نیستند. دلایل هم ساده است: برای کمک کردن به دیگران به کسی پولی نمی دهند. امور براساس منافع صورت می گیرند و منافع ایالات متحده آمریکا نیز با منافع اروپا تفاوت دارد.

پس راهکاری درازمدت برای کشورهای دچار دردمر و وجود ندارد؟

بی شک چنین راهکاری وجود دارد و از نظر آنها این راهکار بسیار عاقلانه هم هست؛ سلطه جهانی. آنها این را به صراحت تمام می گویند. هنگامی که ملک عبدالله سعودی آمد و گفت که در جهان عربی از شما دل آزرده اند، چه واکنشی رخ داد؟ آنها گفتند: ببیند ما در عملیات «توفان صحرا» چه کردیم و حالا ببینید در افغانستان چه کرده ایم. ما ده برابر قویتر از دوران «توفان صحرا» هستیم.

افغانستان باید نمونه ای از آن باشد که وقتی انسان دهان خود را باز می کند، چه رخ می دهد: انسان را خرد می کنند. این را آنها می گویند، نه من؛ و آنها قدرت انجام این کار را هم دارند. آنچه در افغانستان حاصل آمد، چندان به خود افغانستان مربوط نمی شد؛ اما ایالات متحده آمریکا برای نخستین بار به پایگاه نظامی مهمی در آسیای میانی دست یافت و همین مهم است!

شما یکی از معدود منتقدان تند و تیز سیاست رئیس جمهور هستید. اما این جورج بوش به راستی چه جور آدمی است؟

جورج بوش ساخته و پرداخته عموم مردم است. او برای منطبق شدن با تصویری خاص پا به عرصه گذاشت. کوشیده اند شاگردی ممتاز از یک مدرسه خصوصی از ییل را به فردی عادی اهل تگزاس بدل کنند. سیاست در اینجا یعنی همین و عموم مردم هم این را می دانند. این یکی از دلایل آن است که چرا مردم انتخابات اخیر را تقریباً به کل نادیده گرفتند. مردم بسیار بدبین هستند، زیرا واقع بین اند.

احتمالاً خود بوش هم آن واژه هایی را که قرائت می کند، درک نمی کند. پدرش آن را درک می کرد، اما او نه. اما او توانایی های خاص خود را دارد. فقط کافی است نگاهی به افراد پیرامون بوش بیندازیم. آنها به آنچه می گویند اعتقاد دارند. آنها معتقدند که قدرت آن را دارند که جهان را به زور تحت کنترل خود درآورند و اگر این به مذاق تو خوش نمی آید، دچار دردمر خواهی شد. آنها جداً به این موضوع اعتقاد دارند و جهان هم باید از آنان بترسد.

افغانستان  
باید نمونه ای  
از آن باشد  
که وقتی انسان  
دهان خود را  
باز می کند  
چه رخ می دهد  
انسان را  
خرد می کنند

